

حادثه ایرباس، از آغاز تا پایان

صالح رضایی پیش رباط^(۱)

مقدمه

در ۱۲ تیر ماه سال ۱۳۶۷، فاجعه‌ای انسانی در تاریخ بشریت به وقوع پیوست. در این روز، وینسنس^(۲) یکی از ناوهای جنگی نیروی دریایی آمریکا، طی اقدام جنایتکارانه‌ای، هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران را که از بندرعباس عازم دبی بود، هدف حمله موشکی خود قرار داد و بدین ترتیب، ۲۹۰ انسان بی‌گناه را به کام مرگ فرستاد. در واقع، دولت آمریکا یکبار دیگر معادلات سیاسی خود را به ملاحظات انسانی و اخلاقی برتری داد و با حمله نظامی عامدانه و آگاهانه به یک هواپیمای غیر نظامی، حرمت و قداست بسیاری از قواعد و مقررات مسلم بین‌المللی را به سخره گرفت. در این فاجعه، مقامات امریکایی بی‌احترامی و بی‌اعتنایی خود را نسبت به اصول اخلاقی و انسانی به نهایت رساندند و به فرمانده ناوی که ابتکار به خرج داده و چنان جنایت هولناکی را مرتکب شده بود، مدال افتخار و لیاقت اعطا کردند.

در پی این فاجعه، جمهوری اسلامی ایران، برای احقاق حقوق خود و معرفی عاملان این جنایت به جهانیان، موضوع را در محافل و مراجع ذی صلاح بین‌المللی مطرح کرد و اقدامات مناسب دیگری را نیز در چهارچوب اصول و نرملهای پذیرفته شده بین‌المللی انجام داد، اما آیا این حقوق احقاق شد و موضوع در محافل و مراجع بین‌المللی به نحو شایسته‌ای مورد رسیدگی قرار گرفت؟ این پرسشی

است که به طبع می‌تواند به ذهن هر فردی خطور کند. نوشته حاضر به تشریح وقایع این فاجعه، علل و عوامل وقوع و روند رسیدگی به آن در محافل بین‌المللی سیاسی و حقوقی پرداخته است.

۱) شرح واقعه و عوامل وقوع فاجعه

در ۱۲ تیرماه سال ۱۳۶۷، برابر با ۳ ماه جولای سال ۱۹۸۸، ناو جنگی نیروی دریایی آمریکا، موسوم به وینسنس، که به طور غیر قانونی به آبهای سرزمینی ایران در خلیج فارس وارد شده بود، با شلیک دو فروند موشک، هواپیمای مسافربری ایرباس خطوط هوایی ایران را که از فرودگاه بندرعباس عازم دبی بود، هدف حمله قرار داد و منهدم کرد. بدین ترتیب، تمامی ۲۹۰ سرنشین این هواپیما کشته شدند. مقامات آمریکا در نخستین واکنش خود، حمله ناو وینسنس به هواپیمای مسافربری ایران را از نظر حقوقی توجیه و اظهار کردند که هواپیمای منهدم شده نظامی بوده و قصد داشته است به ناو مزبور حمله کند.^۱ پس از آنکه مشخص شد این هواپیما مسافربری بوده است، نه هواپیمای جنگی اف-۱۴، مقامات امریکایی، باز هم به توجیه حقوقی عمل جنایتکارانه خود پرداختند و حاضر نشدند به تخلف خود اعتراف کنند و سرانجام، در این مورد، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا اظهار کرد: «اقدام ناو دریایی آمریکا برای دفاع از خود بوده است».^۲

(۲) Vincennes

(۱) دانش جوی دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

حقیقت این بود که حمله ناو وینسنس به هواپیمای غیر نظامی ایران در راستای اجرای همان استراتژی و سیاستی قرار داشت که در سالهای پایانی جنگ، امریکا و متحدانش برای جلوگیری از پیروزی ایران و شکست عراق اتخاذ کرده بود. در اوائل سال ۱۳۶۶، هنگامی که نیروهای ایران در جبهه های نبرد، نسبت به دشمن خود به برتری دست یافتند و این احتمال وجود داشت که عراق با شکست قطعی روبه رو شود، امریکا و برخی از دیگر قدرتها تصمیم گرفتند تا به هر شکل ممکن، از شکست عراق و برهم خوردن معادلات قدرت در منطقه به نفع ایران جلوگیری کنند. در واقع، آنها ترس خود را از شکست عراق و پیروزی ایران در جنگ ابراز کردند و استراتژی و سیاست جدید خود را در منطقه مورد تأکید قرار دادند. در این زمینه، معاون وقت وزیر امور خارجه امریکا طی مصاحبه ای اعلام کرد: «هر دو ابر قدرت علاقه مند هستند که از پیروزی ایران در جنگ جلوگیری کنند».^۳ کلود سشون، وزیر خارجه سابق فرانسه، نیز طی مصاحبه ای گفت: «اعضای دائمی شورای امنیت در تصمیم اعلام نشده ای در زمینه حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیده بودند».^۴ دقیقاً در راستای همین استراتژی و سیاست بود که امریکا و همفکرانش در مورد تصویب قطع نامه ای (۵۹۸) در شورای امنیت که بتواند به سرعت، به مخاصمه دو طرف جنگ پایان دهد، به توافق رسیدند.

موافقت مشروط جمهوری اسلامی ایران با پذیرش قطع نامه ۵۹۸، طراحان این قطع نامه - که خواهان اجرای

بی قید و شرط قطع نامه از سوی دو طرف جنگ بودند - را بر آن داشت تا فشارهای خود را علیه ایران برای قبول بی قید و شرط و فوری قطع نامه تشدید کنند. اعضای دائم شورای امنیت، شرایط ایران را برای پذیرش مفاد قطع نامه ۵۹۸ اخلال و کارشکنی در برقراری صلح در منطقه قلمداد کردند و پذیرش شرایط ایران را ناممکن دانستند.^۵ همچنین، تهدید کردند که در صورت عدم پذیرش بی قید و شرط قطع نامه از سوی ایران، دولت این کشور را به پذیرش آن وادار خواهند کرد. ریگان در سخنرانی ۲۱ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷ خود در مجمع عمومی سازمان ملل، با سخنان تهدیدآمیزی از ایران خواست تا آشکارا قطع نامه ۵۹۸ را بپذیرد؛ زیرا، در غیر این صورت، به پذیرش آن وادار خواهد شد.^۶ در همین راستا، فرانسه در ۶ ماه اوت سال ۱۹۸۷، به دنبال جنگ سفارتخانه ها (قضیه گرجی)^(۱)، واردات نفت از ایران را تحریم کرد. انگلستان نیز دفتر خریدهای نظامی ایران در لندن را بست و خود امریکا هم در ۲۶ ماه اکتبر سال ۱۹۸۷، واردات کالاها و محصولات ایرانی را تحریم و صدور چهارده نوع کالا را به ایران که بالقوه مصارف نظامی داشتند، ممنوع کرد.^۸ همچنین، در کنار فشارها و اقدامات سیاسی و اقتصادی، فشارها و اقدامات نظامی خود را علیه ایران (و به نفع عراق) شدت بخشید. این کشور در ۲۸ مهر ماه سال ۱۳۶۶، سکوهای نفتی رشادت و رسالت و در ۳۰ فروردین ماه سال ۱۳۶۷، سکوهای نصر، سلمان و مبارک را که تمامی آنها به شرکت ملی نفت ایران متعلق بودند، هدف حمله های نظامی خود قرار داد و منهدم کرد. همین طور، در



(۱) وحید گرجی یکی از اعضای سفارت ایران در پاریس بود که پلیس فرانسه وی را به اتهام همکاری با یک گروه تروریستی، علی رغم برخورداری از مصونیت سیاسی به دادگاه احضار کرد؛ اقدامی که این عمل با واکنش شدید دولت ایران روبرو شد و در ادامه این حرکت، سفارتخانه های دو کشور به محاصره پلیس در آمد و پس از مدتی روابط سیاسی دو طرف قطع شد.

خود را به داشتن رابطه با ایران اعلام کردند. سخن‌گوی وقت کاخ سفید در این زمینه گفت: «مدت مدیدی است که امریکا تمایل به برقراری تماس با ایران دارد. ما این تمایل را در هر موقعیتی اعلام کرده‌ایم». وی در توضیح دیدگاه امریکا دربارهٔ ضرورت برقراری رابطه با ایران افزود: «امریکا دو هدف عمده را دنبال می‌کند: هدف نخست کمک برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق است و هدف دوم، ترغیب ایران به این مسئله که چنانچه سیاستهای بنیادگرایانه خود را در خارج از ایران معتدل تر کند، ما نیز موضع بین‌المللی خود را بهبود خواهیم بخشید».^{۱۱}

سخن‌گوی کاخ سفید در سخنان خود، هدف بلندمدت رابطه با ایران را جلوگیری از نفوذ شوروی و به دست آوردن جای پا در ایران اظهار کرد. وی سه مانع را برای برقراری روابط برشمرد که عبارت بودند از: ادامه تلاش

فروردین ماه سال ۱۳۶۷، ناوهای جنگی نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس به ناوچه‌های ایرانی حمله و دو فروند از آنها را غرق کردند. در نهایت نیز، در ۱۲ تیر ماه سال ۱۳۶۷، امریکا با هدف تضعیف روحیه مردم و دولتمردان ایران و وادار کردن آنها به پذیرش صلحی تحمیلی و اتمام حجت با مقامات ایرانی مبنی بر اینکه در اعمال فشار علیه ایران برای پذیرش قطع‌نامه دیگر به هیچ ملاحظه‌ای پای‌بند نخواهد بود، عامدانه و آگاهانه، هواپیمای مسافربری ایران را بر فراز خلیج فارس منهدم کرد. البته، برخی از مقامات واشنگتن اذعان نمودند که حمله به هواپیمای ایرانی ایرباس در خلیج فارس یک فاجعه بوده است، هرچند از نظر سیاسی و استراتژیکی گریزی از آن نبوده است. رادیو امریکا در ۱۷ تیر ماه سال ۱۳۶۷، طی برنامه‌ای با نام نظره‌های رسمی دولت امریکا گفت: «برقراری صلح تنها نفعی است که امریکا در

امام خمینی (ره) پس از حادثه ایرباس به منظور جلوگیری از شیوع برخی از تردیدها دربارهٔ ادامه جنگ، فرمودند: «امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از جنگ خیانت به رسول الله است»

ایران برای ادامهٔ جنگ، حمایت از تروریسم و نگهداری گروگانهای امریکایی در لبنان.

اما، آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران، دلیل عدم واکنش ایران در مقابل سقوط هواپیمای ایرباس را چنین تشریح کرد:

«پیش از این، آنها به کشتیها و هواپیماها و سکوهاى نفتی ما حمله می‌کردند و می‌دیدند ما پاسخ آنها را می‌دهیم. اینها فکر کردند که ایران با آمادگی که دارد کاری متناسب با این [حمله] انجام می‌دهد و خودش هم که در منطقه چیزی نداشتند، فکر کردند که ممکن است این قضیه نسبت به هواپیماهای دیگر در منطقه اتفاق بیفتد. آنها شاید این طور فکر می‌کردند، شاید هم زمینه‌سازی پیشین را خودشان در این رابطه کرده بودند. به هر حال، اگر کار خاصی به عنوان مقابله به مثل می‌شد، هم امریکا به هدفش رسیده بود و هم جو تبلیغاتی علیه ما درست می‌کرد، اما قضیه طور دیگری شد».^{۱۲}

آقای هاشمی در ادامهٔ اظهارات خود، دربارهٔ تداوم حضور امریکا در خلیج فارس افزود: «آیا واقعاً شما برای حفظ امنیت آمیدید و آیا امنیت در خلیج فارس را حفظ کردید؟ شما آمیدید که نگذارید صلح و امنیت برقرار باشد. آمیدید زیر بال صدام را بگیرید که نیفتد».

خلیج فارس دارد و این فاجعه انسانی (انهدام ایرباس) ضرورت دستیابی به آن هدف را به شدت افزایش داده است».^۹

واکنش مقامات ایرانی به اقدام امریکا در انهدام هواپیمای مسافربری ایرباس، نسبتاً ملایم و بدون هیچ‌گونه تهدیدی به اقدامات تلافی‌جویانه در آینده بود که البته، چنین واکنشی با توجه به وضعیت و شرایط آن زمان، تا حد زیادی قابل توجیه بود، هرچند شک و تردیدهایی را نیز در پی داشت. هاشمی رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل قوا، فاجعهٔ ایرباس را آزمایشی برای مجامع بین‌المللی دنیا دانست و گفت: «باید ببینیم که سازمان ملل چه می‌کند؟ شورای امنیت چه می‌کند؟ چشم انسانهای صالح و همهٔ عدالت‌خواهان دنیا به دروازه این مرکز دوخته شده است تا ببیند اینها وظایفشان را چگونه انجام می‌دهند».^{۱۰} لاریجانی، معاون وقت وزیر امور خارجه، نیز که در وین به سر می‌برد، گفت: «موضوع انتقام‌جویی ایران مطرح نیست، بلکه این مطرح است که ایران به نحوی واکنش نشان دهد که از تکرار چنین وقایعی جلوگیری شود». عدم واکنش مؤثر و جدی مقامات ایرانی به اقدام جنایتکارانهٔ امریکا، پرسشهایی را در ذهن برخی از تحلیلگران در مورد مناسبات ایران و امریکا مطرح کرد. در آن زمان، مقامات امریکا آشکارا، تمایل

دیپلماتها و صاحب نظران مسائل جنگ ایران و عراق، علت خودداری ایران از توسل به اقدامات تلافی جویانه علیه واشنگتن را کسب حمایت بین المللی و جلوگیری از احتمال توسل امریکا به اقدامات شدیدتر اعلام کردند.

در چنین شرایطی، امام خمینی (ره) با هدف جلوگیری از شیوع برخی از تردیدهای ناروا و برای تقویت روحیه ملی، پیامی را به مناسبت فاجعه سقوط هواپیمای ایرباس صادر کردند که در آن، با توجه به تردیدهایی که نسبت به روند تحولات جنگ و شایعه معامله پنهانی برای پایان دادن به جنگ که پس از سقوط فاو به وجود آمده بود، فرمودند: «امروز، تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از جنگ خیانت به رسول الله است».^{۱۳} ایشان در قسمت دیگری از پیام خود تأکید کردند: «نباید بگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی مان در جبهه ها از بین برود... امروز، باید دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذناش به سوی جبهه ها رو کنیم».^{۱۴}

در پی پیام رهبر انقلاب، دیگر مسئولان کشور نیز با سخنرانیهای متعدد خود، مردم و برخی از فرماندهان جنگ را از گرفتار شدن در دام تردیدهای مأیوس کننده برحذر داشتند و خواستار وحدت و مقاومت آنها در مقابل توطئه های دشمن شدند. مهندس موسوی، نخست وزیر وقت، طی پیامی به امام (ره) آمادگی خود را برای محقق کردن نظرهای ایشان اعلام و تأکید کرد: «امروز وقت استقامت، جهاد و برنامه ریزی، تلاش و پیروزی است». شورای عالی پشتیبانی جنگ نیز در بیانیه ای تأکید کرد:

«مرحله بسیار حساس برای انقلاب و امتحانی بس بزرگ برای ملت قهرمان ماست و ملت باید در این مرحله همه توان و نیروی ذاتی و معنوی و مادی خود را به کارگیرد و از هر گونه ساده انگاری و سهل انگاری پرهیزد».

آقای هاشمی بیانیه شورای عالی پشتیبانی جنگ را حرکت مثبتی تلقی کرد و گفت: «امروز شرایط بسیار حساس است، دعوتی که شورای عالی پشتیبانی جنگ کرد و دعوتی که امروز ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح کرد، هدایتی که حضرت امام کردند، مبنی بر اینکه از مردم خواستند تا امکانات و نیروها را متوجه جبهه ها کنند، بسیار جدی است... اگر ما با این وسعت در جبهه حاضر باشیم و آنها بدانند که ما مصمم هستیم و این گونه حوادث تلخ، ما را به زانو در نمی آورد، ممکن است ترجیح بدهند که از راه شناخت متجاوز مسئله را حل کنند یا راه دیگری انتخاب نمایند».^{۱۵}

طبق دلایل و ملاحظاتی که گفته شد، در آن مقطع زمانی،

مسئولان جمهوری اسلامی ایران ترجیح دادند تا به جای توسل به اقدامات تلافی جویانه علیه امریکا و تشدید رویارویی مستقیم خود با آن - که به طور قطع، در شرایط آن زمان، به مصلحت کشور و نظام نبود - به تقویت روحیه و وحدت ملی بپردازند و اقدام جنایتکارانه امریکا را تنها از طریق مسالمت آمیز پیگیری کنند. در راستای این سیاست، مقامات جمهوری اسلامی ایران نخست، موضوع را در شورای امنیت سازمان ملل و شورای اجرایی سازمان ایکائو و سپس، در دیوان دادگستری بین المللی مطرح کردند.

۲) شورای امنیت سازمان ملل و قضیه ایرباس

دو روز پس از وقوع این فاجعه، جمهوری اسلامی ایران طی نامه ای به رئیس شورای امنیت سازمان ملل خواستار تشکیل جلسه فوری شورا برای رسیدگی به موضوع شد. شورا پس از شنیدن سخنان وزیر امور خارجه وقت ایران و رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور وقت امریکا، قطع نامه ای را در تاریخ ۲۰ ماه جولای سال ۱۹۸۸ صادر کرد.^{۱۶}

در این قطع نامه، شورا ضمن استناد به نامه مورخه ۵ ماه جولای سال ۱۹۸۸ (۱۵ تیرماه سال ۱۳۶۷) جانشین نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران خطاب به رئیس شورای امنیت و همین طور سخنان نماینده جمهوری اسلامی ایران، علی اکبر ولایتی (وزیر امور خارجه) و سخنان نماینده ایالات متحده امریکا، جورج بوش (معاون رئیس جمهور) و ابراز تأسف عمیق از اینکه یک هواپیمای غیر نظامی ایران ایر در پرواز برنامه ریزی شده بین المللی ۶۵۵، با شلیک موشک از ناو جنگی ایالات متحده بر فراز تنگه هرمز منهدم شده است و تأکید بر ضرورت تبیین حقایق سانحه از طریق بازرسی بی طرفانه و ابراز نگرانی عمیق از تشنج فزاینده در منطقه خلیج (فارس)، بیان کرد:

۱) از سرنگون شدن هواپیمای غیر نظامی ایرانی در نتیجه شلیک موشک از یک ناو جنگی امریکا و کشته شدن انسانهای بی گناه عمیقاً متأسف است؛

۲) همدردی صمیمانه خود را به خانواده های قربانیان این سانحه غم انگیز و دولتهای آنها اعلام می کند؛

۳) از تصمیم سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری در پاسخ به درخواست ایران مبنی بر ایجاد فوری گروه حقیقت یابی برای بررسی تمام حقایق موجود و جنبه های فنی زنجیره حوادث مربوط به این پرواز و انهدام هواپیما و همچنین، از اعلام ایالات متحده امریکا و جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تصمیمشان برای همکاری با بررسی سازمان بین المللی



لیبی را ترضیع می‌کرد. تعلل لیبی در پاسخ مثبت به خواسته‌های انگلیس و آمریکا، شورای امنیت را بر آن داشت تا تصمیم‌های شدیدتری را علیه آن دولت اتخاذ کند. شورا در قطع نامه بعدی خود (۷۴۸) که در این مورد صادر کرد، عدم استرداد اتباع لیبیایی مظنون به انفجار هواپیمای پان‌امریکن را از سوی دولت لیبی تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی و تحریم‌هایی را علیه این دولت اعمال کرد.^{۱۸} حال این پرسشها مطرح است، شورا چگونه می‌تواند برخورد متفاوت خود را با دو قضیه مشابه توجیه کند؟ چرا شورا در واکنش به فاجعه ایرباس، تنها به ابراز تأسف بسنده و از شناسایی و مجازات عاملان آن جنایت خودداری کرد، در حالی که در حادثه مشابهی که چند ماه بعد از انهدام ایرباس رخ داد، با جدیت وارد عمل شد و عاملان آن (لیبی) را تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد کرد و تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار داد؟ آیا این دو برخورد مختلف شورا در پیشگاه وجدان سالم بشریت قابل توجیه است؟ تردیدی نیست که پاسخ تمام حقوقدانان و انسانهای بی‌طرف و بی‌غرض به چنین پرسشی منفی خواهد بود و تنها کسانی بدان پاسخ مثبت خواهند داد که در روابط بین‌الملل، منطق زور و قدرت را از منطق عدالت و برابری برتر می‌دانند.

۳) رسیدگی به موضوع در شورای ایکنائو

پس از درخواست جمهوری اسلامی ایران، در ۱۴ ماه جولای سال ۱۹۸۸ (برابر با ۲۳ تیرماه سال ۱۳۶۷)، شورای سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری مستقر در مونرال کانادا جلسه فوق‌العاده‌ای را برای رسیدگی به حادثه انهدام هواپیمای ایرباس تشکیل داد. در این جلسه، نماینده جمهوری اسلامی ایران درخواستهای خود را از شورا به شرح زیر مطرح کرد:

۱) شناسایی صریح عمل نقض مقررات حقوق بین‌المللی؛

هواپیمایی کشوری استقبال می‌کند؛

۴) از تمامی اعضای کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو در مورد هواپیمایی کشوری بین‌المللی درخواست می‌کند که در تمامی شرایط، مقررات و رویه‌های سلامت هوانوردی کشوری، به ویژه ضوابط آن کنوانسیون را برای جلوگیری از چنین حوادثی دقیقاً رعایت کنند؛

۵) لزوم اجرای فوری و کامل قطع نامه (۵۹۸) شورا را به منزله تنها مبنای حل و فصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار منازعه میان ایران و عراق ابراز و پشتیبانی خود را از دبیرکل برای اجرای این قطع نامه اعلام می‌کند و خود را ملزم به همکاری با دبیرکل برای تسریع در اجرای طرح اجرایی می‌داند.^{۱۷}

در این قطع نامه، واکنش شورای امنیت به اقدام جنایتکارانه آمریکا بسیار ضعیف بود؛ چرا که تنها به ابراز تأسف و همدردی صرف بسنده کرد و از مسئولیت اصلی خود، که مطابق منشور ملل متحد از آن انتظار می‌رفت، غفلت نمود. در این قطع نامه، شورا از محکوم کردن دولتی که آگاهانه و عمدانه و تنها برای پیشبرد اهداف سیاسی و استراتژیک خود در منطقه اقدام جنایتکارانه‌ای را انجام داده بود، ظفره رفت و تنها اعلام کرد که از حادثه پیش آمده متأسف است! واکنش شورای امنیت سازمان ملل نسبت به فاجعه ایرباس به هیچ وجه با واکنش آن نسبت به حادثه لاکربی، که در ۲۱ ماه دسامبر سال ۱۹۸۸ اتفاق افتاد، قابل مقایسه نبود. حادثه از این قرار بود که یکی از هواپیماهای مسافربری شرکت پان‌امریکن بر فراز شهر لاکربی در اسکاتلند منفجر شد و در نتیجه، ۲۵۹ نفر کشته شدند. پس از سه سال تحقیق و بازرجویی، سرانجام، مقامات امریکایی و انگلیسی به این نتیجه رسیدند که دو نفر از اتباع لیبی در انفجار هواپیما دست داشته‌اند، اما دولت لیبی این ادعا را رد کرد و بدین ترتیب، موضوع برای حل و فصل به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شد. در آغاز، شورا با تصویب قطع نامه ۷۳۱، از دولت لیبی خواست تا به تقاضاهای دولتهای انگلیس و آمریکا (یعنی استرداد متهمان، افشای اطلاعات مربوط به آنها، تسهیل دسترسی به شهود و پرداخت غرامت) پاسخ مثبت دهد. این در حالی بود که مطابق یکی از قواعد حقوق بین‌المللی، در چنین وضعیتی، دولت مربوط (لیبی) یا باید متهمان را در محاکم داخلی خود محاکمه و مجازات می‌کرد یا آنها را برای محاکمه و مجازات به دولتهای ذی نفع (آمریکا، انگلیس) استرداد می‌نمود؛ بنابراین، تصمیم شورای امنیت، این حق دولت

اظهارات نماینده آمریکا درست است؛ بنابراین، این گفته بوش، معاون وقت رئیس جمهوری آمریکا در شورای امنیت، که «اگر ایران به جنگ خود با عراق پایان داده بود، قطعاً حادثه ایرباس اتفاق نمی افتاد»،^{۲۲} چه معنایی داشته؟ شورا پس از شنیدن نظر هر دو طرف تصمیمهایی را به شرح زیر اتخاذ کرد:

- ۱) شورا استفاده از سلاح علیه هواپیماهای مسافربری را تقبیح می کند؛
- ۲) شورا بر این اصل اساسی که کشورها باید از هدف قرار دادن هواپیماهای غیرنظامی خودداری نمایند، تأکید می کند. همچنین، از کشورهایی که ماده ۳ کنوانسیون شیکاگو^{۲۳} را امضا نکرده اند، می خواهد هر چه زودتر نسبت به امضای آن اقدام کنند. شورا از کشورها می خواهد تا از هر عملی که امنیت هوانوردی بین المللی را در منطقه با خطر روبه رو می نماید، خودداری کنند؛
- ۳) شورا از دبیرکل ایکائو می خواهد که تیم حقیقت یابی را

- ۲) شناسایی این حقیقت که کشورهای عضو، در مقابل اعمال جنایتکارانه مأموران خود مسئول هستند، حتی اگر آنان در حیطة اختیار خود عمل نکرده باشند؛
 - ۳) محکومیت صریح ایالات متحده آمریکا به دلیل استفاده از سلاح علیه هواپیماهای مسافربری ایران^{۱۹}؛
 - ۴) تشکیل کمیسیون فرعی برای بررسی جنبه های مختلف حقوقی، فنی و دیگر جنبه های واقعه انهدام هواپیماهای ایران ایر، گزارش به شورای ایکائو و از طریق آن، به اجلاس فوق العاده مجمع این سازمان برای پیش بینی اقدامات لازم برای جلوگیری از تکرار حوادث مشابه؛ و
 - ۵) پایان دادن فوری به محدودیتها و استفاده از زور و تهدید علیه فضای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ساحلی خلیج فارس.^{۲۰}
- در پاسخ به این درخواستها، نماینده آمریکا شرح حادثه را چنین بیان کرد: «در روزهای ۲ و ۳ ماه جولای، منطقه خلیج فارس بسیار ناامن بود. کشتیهای مختلف از جمله

واکنش شورای امنیت به اقدام جنایتکارانه آمریکا بسیار ضعیف بود؛ چرا که تنها به ابراز تأسف و همدردی صرف بسنده کرد و از مسئولیت اصلی خود، که مطابق منشور ملل متحد از آن انتظار می رفت، غفلت نمود

برای بررسی حقایق مربوط به جنبه های فنی عواملی که به نابودی هواپیما منجر شده است، تشکیل دهد؛

۴) از دو طرف درخواست می شود تا در بررسی موضوع همکاری کنند. رئیس شورا و دبیرکل ایکائو نیز باید هر چه زودتر گزارش کاملی را به اجلاس (جلسه) ۱۲۵ شورا که در ماه سپتامبر سال ۱۹۸۸ برگزار می شود، ارائه کنند؛ و

۵) از رئیس شورا و دبیرکل ایکائو خواسته می شود تا با همکاری کشورهای درگیر در منطقه، هماهنگی لازم بین عملیات پروازهای نظامی و غیرنظامی را برای تأمین امنیت و سلامتی هواپیماهای غیرنظامی فراهم آورند.^{۲۴}

صد و بیست و پنجمین جلسه شورای ایکائو در ماه دسامبر سال ۱۹۸۸، در مونرال تشکیل شد. در این جلسه، نخست، گروه تحقیق، که بلافاصله پس از پایان جلسه فوق العاده شورا تشکیل شده و کار خود را آغاز کرده بود، گزارشی را از تحقیق انجام شده و نتایج آن ارائه داد. پس از ارائه این گزارش، نماینده ایران اظهار کرد: «تحقیق نشان می دهد که هواپیماهای ایرباس به طور طبیعی، بلند شده و پرواز آن و همه عملیات انجام یافته کاملاً طبیعی بوده است». وی در ادامه اظهارات خود، از شورای ایکائو به دلیل

یک کشتی پاکستانی و یک کشتی لیبیایی هدف حمله قرار گرفته بودند. در همان روز، یک هواپیما اف-۱۴ ایران، که از فرودگاه بندرعباس پرواز کرده بود، قصد حمله به کشتی امریکایی را داشت. هواپیماهای مسافربری ایرباس هم از همان فرودگاه برخاسته بود. به رغم تلاشهای ناو وینسنس برای شناسایی هواپیما، از جانب این هواپیما پاسخی دریافت نشد و فرمانده ناو برای دفاع از خود، به سوی هواپیما شلیک کرد. وی در ادامه با بیان اینکه مسئله حمله به هواپیماهای ایران ایر، نتیجه جنگ ایران و عراق است، پیشنهاد کرد که در وضعیت جنگی موجود، برای جلوگیری از تکرار این نوع حوادث، فرستنده ها و گیرنده های هواپیماها دقیقاً کنترل شوند و ارتباط رادیویی منظم میان هواپیماهای نظامی و غیرنظامی برقرار گردد».^{۲۱}

در جلسه فوق العاده شورا، نماینده ایالات متحده، نه تنها حاضر نشد به تخلف و خطای ناو وینسنس اعتراف کند، بلکه وقایع را طوری تشریح کرد که گویی این هواپیماهای مسافربری ایرانی بوده است که با رعایت نکردن موارد فنی و ایمنی موجب بروز حادثه شده است، اما آیا وقایع این حادثه واقعاً آن گونه که نماینده آمریکا ادعا کرد، بود؟ اگر

نگرفت. در نتیجه، ایران آن را برای تجدید نظر به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داد. حق تجدید نظر خواهی از تصمیم‌های شورا در ماده ۸۴ کنوانسیون شیکاگو این گونه پیش بینی شده است:

«چنانچه توافقی بین دو یا چند کشور متعاقد راجع به تفسیر یا اجرای این کنوانسیون و ضمائم آن حاصل نشود و نتوان آن را با مذاکره حل کرد، موضوع بر حسب درخواست هر کشور ذی‌مدخل در عدم توافق برای اخذ تصمیم به شورا ارجاع خواهد شد. هیچ یک از اعضای شورا در مورد هرگونه اختلافی که خود در آن شرکت دارند، حق رأی



نخواهند داشت. هر یک از کشورهای متعاقد می‌تواند با رعایت ماده ۸۵ از شورا به داوری که مورد موافقت طرف دیگر حل اختلاف باشد یا به دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای تجدیدنظر بدهد. چنین دادخواستی باید ظرف مدت چهل روز از تاریخ وصول تصمیم شورا به آن اعلام شود».

جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده مزبور، دادخواستی را برای پژوهش خواهی از تصمیم ایکائو تنظیم و در ماه می سال ۱۹۸۹ به دیوان بین‌المللی دادگستری تسلیم کرد^{۲۷} و ضمن آن، موارد زیر را از دیوان خواستار شد:

- ۱) محکومیت سرنگونی هواپیمای ایران ایر از سوی نیروهای نظامی آمریکا مستقر در خلیج فارس؛
- ۲) شناسایی صریح وقوع جرم بین‌المللی درباره نقض حقوق بین‌الملل و تعهدات حقوقی ایالات متحده؛
- ۳) شناسایی صریح مسئولیتهای دولت آمریکا و درخواست غرامت برای جبران خسارت مادی و معنوی وارد شده؛ و

اینکه پیش از وقوع حادثه برای از بین بردن عوامل وقوع آن تلاش نکرده بود، انتقاد کرد. نماینده ایران، از شورا خواست تا موضوع (حادثه ایرباس) را بررسی و بر اساس نقض حقوق بین‌الملل، وقوع جنایت بین‌المللی را اعلام و آمریکا را مسئول پرداخت تمامی خسارات تلقی کند. وی گفت «احتمال اشتباه گرفتن هواپیمای ایرباس با یک هواپیمای اف-۱۴ پذیرفتنی نیست».

شورا پس از شنیدن گزارش گروه تحقیق، اظهارات دو طرف و دیدگاه‌های برخی از اعضای خود، در ۶ ماه دسامبر سال ۱۹۸۸ تصمیم خود را اتخاذ کرد. در این تصمیم، شورا

از واقعه‌ای که به کشته شدن ۲۹۰ انسان بی‌گناه منجر شده بود، ابراز تأسف کرد و از همه کشورهای خواست تا اقدامات لازم را برای ایجاد ارتباط بین فعالیتهای نظامی و پروازهای غیرنظامی انجام دهند و در تأمین امنیت هواپیمای غیرنظامی بکوشند. همچنین، از کمیسیون هوانوردی نیز خواست تا گزارش گروه تحقیق را دقیقاً مطالعه کند و نتیجه مطالعات خود را در جلسه بعدی، به اطلاع آن برساند.^{۲۵}

جلسه صد و بیست و ششم شورا، که آخرین جلسه مربوط به حادثه ایرباس بود، در ۲۰ ماه مارس سال ۱۹۸۹ برگزار شد. در این جلسه، کمیسیون هوانوردی نتیجه مطالعات خود را در مورد گزارش گروه تحقیق به شورا تسلیم کرد. به

رغم مخالفت نماینده ایران، شورا رضایت خود را از گزارش مطالعات کمیسیون هوانوردی اعلام و در نهایت، عنوان کرد که از نظر این شورا، استفاده از سلاح علیه هواپیمای مسافربری محکوم است و حادثه غیر عمدی که به دلیل عوامل متعدد و اشتباه در شناسایی هواپیما پدید آمده و به انفجار آن هواپیما منجر شده است، تأسف‌آور می‌باشد.^{۲۶}

با توجه به رویه شورا، تصمیم آن در قضیه انهدام ایرباس عادلانه و منصفانه به نظر نمی‌رسید. البته، با توجه به ساختار و ترکیبی که این شورا داشت، انتظاری غیر از آن نیز نبود. در این قضیه، شورا تحت تأثیر برخی از ملاحظات سیاسی، نتوانست اصول و قواعد حقوقی در اسناد بین‌المللی را اعمال و اجرا کند.

۴) ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری

تصمیم شورای ایکائو مورد موافقت مقامات ایران قرار

در نهایت، توافق شد تا ایالات متحده در قبال استرداد دادخواست از سوی ایران، خسارات وارد شده به هواپیما و بازماندگان مسافران را بدون قبول مسئولیت پرداخت کند. در پی چنین توافقی بود که دیوان در ۲۲ ماه فوریه سال ۱۹۹۶، دستور داد دعوی ایرباس از فهرست دعاوی آن حذف شود.^{۳۰}

۵) ملاحظات پایانی

در نهایت، بر اساس توافق دو طرف، قرار شد ایران دادخواست خود را از دیوان استرداد و در مقابل، امریکا مبلغی را به عنوان جبران خسارت و به صورت *ex gratia* (بدون قبول مسئولیت) به بازماندگان کشته شدگان پرداخت کند. مطابق توافق، ایالات متحده پذیرفت تا به بازماندگان هر مسافر ایرانی کشته شده غیر شاغل^(۱) ۱۵۰ هزار و مسافران کشته شده شاغل^(۲) ۳۰۰ هزار دلار به عنوان دیه و سایر هزینه‌ها پرداخت کند.^{۳۱} همچنین، توافق شد این مبلغ که در

درخواست رفع موانع ایجاد شده، محدودیتها، تهدیدها و استفاده از زور علیه هواپیماهای غیرنظامی در منطقه، از جمله تقاضای شورا از سازمانهای بین‌المللی مربوطه برای خروج تمام نیروها از خلیج فارس.

باید یادآور شد که ایران در دادخواست خود، افزون بر ماده ۸۴ کنوانسیون شیکاگو، به بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۹۷۱ مونرال و بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت بین امریکا - ایران (۱۹۵۵)، نیز به منزله مبنای صلاحیت دیوان برای رسیدگی به موضوع استناد کرد.^{۳۲}

ایالات متحده صلاحیت دیوان برای رسیدگی به موضوع را در تاریخ ۴ ماه مارس سال ۱۹۹۱ مورد اعتراض قرار داد و نماینده آن در توجیه نظر این کشور استدلال کرد که تصمیم شورای ایکائو براساس فصل ۹ کنوانسیون شیکاگو و ماده ۵۵ آن بوده است، نه فصل ۱۸ و ماده ۸۴ آن، که در مورد حل و فصل اختلافات دو طرف است؛ بنابراین، استناد ایران به ماده ۸۴ آن کنوانسیون درست نیست. نماینده امریکا

برخی از حقوقدانان و صاحب نظران کشور، توافق دولت (دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی) با امریکا و استرداد دادخواست از دیوان بین‌المللی دادگستری را امری نسنجیده و مغایر با مصالح ملی تلقی کردند

مجموع رقمی حدود ۶۹ میلیون دلار بود، از طریق سفارت سوئیس به طور مستقیم به بازماندگان قربانیان پرداخت و قیمت هواپیما نیز به خود دولت پرداخت شود.

برخی از حقوقدانان و صاحب نظران کشور این توافق دولت (دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی) با امریکا و استرداد دادخواست از دیوان بین‌المللی دادگستری را امری نسنجیده و مغایر با مصالح ملی تلقی کردند. در این زمینه، دکتر محمود کاشانی، استاد دانشگاه شهید بهشتی، طی نامه‌ای به آقای ناطق‌نوری، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، نوشت: «... در این دعوی، نه تنها ورود خسارت مادی و معنوی به دولت ایران و بازماندگان، بلکه حیثیت کشور ما و مسائل مهم سیاسی و دفاع از حاکمیت کشور نیز مطرح است. مردم ایران به حق انتظار دارند صدمه شدیدی که از طریق حمله نظامی به یک هواپیمای مسافربری به حیثیت کشور ما در صحنه جهانی وارد شده است، جبران شود...»^{۳۳} وی در ادامه گفت: «... در شرایطی که دولت امریکا به گونه‌ای مستمر، دولت ایران را به دست داشتن در

همچنین استدلال کرد که استناد ایران به کنوانسیون ۱۹۷۱ مونرال نیز درست نمی‌باشد؛ زیرا، این معاهده به جرائم افراد مربوط می‌شود، نه به اعمال کشورها؛ بنابراین، دیوان صلاحیت رسیدگی به این قضیه را ندارد.^{۳۴} به رغم اعتراض امریکا، دیوان روز ۱۲ ماه سپتامبر سال ۱۹۹۴ را برای رسیدگی به موضوع تعیین کرد، اما در نهایت، قضیه ایرباس در دیوان مورد رسیدگی قرار نگرفت؛ زیرا، دو طرف سرانجام، توافق کردند تا اختلاف خود را در خارج از دیوان حل و فصل کنند. دلایلی که باعث شد مقامات جمهوری اسلامی ایران تصمیم بگیرند دادخواست خود را از دیوان پس بگیرند، نتیجه مثبت نگرفتن از ارجاع موضوع به شورای امنیت و شورای اجرایی ایکائو بود. در آن مقطع زمانی، مقامات ایران به این نتیجه رسیدند که با توجه به نفوذ و قدرت ایالات متحده در بیشتر محافل سیاسی و قضایی بین‌المللی، امیدی به صدور رأی از جانب دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر محکومیت امریکا در قضیه ایرباس وجود ندارد. با توجه به این واقعیت بود که مذاکرات بین دو طرف برای حل و فصل اختلافات در خارج از دیوان آغاز و

(1) non - wage earner (2) wage - earner

- ۱۵ و ۱۶، صص ۱۵۲-۱۵۳.
۶. همان، ص ۱۵۴.
۷. جمشید ممتاز؛ ایران و حقوق بین الملل، با همکاری امیرحسین رنجبریان، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۶۷.
۸. همان، ص ۶۸.
۹. سیری در جنگ ایران و عراق؛ پیشین؛ ص ۱۱۰.
۱۰. همان، ص ۱۰۹.
۱۱. همان، ص ۱۱۱.
۱۲. همان، صص ۱۱۱-۱۱۲.
۱۳. همان، ص ۱۱۳.
۱۴. همان، ص ۱۱۳.
۱۵. همان، ص ۱۱۴.
۱۶. عباس هدایتی خمینی؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۳.
17. UNSCRES/616.20 July 1988.
18. <http://www.ltb.org.uk/backgrounds-ummery.cfm>.
۱۹. ماده ۳ مکرر کنوانسیون شیکاگو چنین مقرر کرده است:
«الف) دولتهای متعاقد این امر را به رسمیت می شناسند که هر کشوری باید از توسل به استفاده از اسلحه در مقابل هواپیمایی کشوری در حال پرواز خودداری کند و در صورت رهگیری هواپیما، جان کسانی که در هواپیما هستند و ایمنی هواپیما نباید به خطر بیفتد...».
۲۰. منصور جباری؛ حقوق بین الملل هوایی؛ تهران: انتشارات فروزش، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۹۴-۱۹۵.
۲۱. همان، ص ۱۹۶.
۲۲. همان، ص ۱۹۷.
۲۳. رک به؛ زیرنویس شماره ۱۹.
۲۴. منصور جباری؛ پیشین؛ ص ۱۹۱.
۲۵. همان، ص ۱۹۳.
۲۶. همان، ص ۱۹۴.
۲۷. سعیده میرزایی ینگجه؛ ایران و صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱.
۲۸. همان، صص ۱۱۲-۱۲۰.
۲۹. منصور جباری؛ پیشین؛ صص ۱۹۶-۱۹۷.

30. www.lcg.org

31. <http://The-Tech.mit.edu/V116/N6/US.6w.html>.

۳۲. ماهنامه گزارش، ش ۶۴، خرداد ۱۳۷۵، صص ۱۹-۲۳.
۳۳. همان.

اقدامات تروریستی متهم می کند . . . چرا دفتر خدمات، درست در هنگامه طوفان تبلیغاتی امریکا به دست داشتن در این حادثه (انفجار مرکز جامعه یهودیان در آرژانتین)، به جای پیگیری دعوی قوی و موجه دولت ایران در زمینه اقدام توجیه ناپذیر دولت امریکا در هدف قرار دادن یک هواپیمای مسافربری، درخواست توقف رسیدگی به این دعوی را از دیوان دادگستری بین المللی کرده است. متوقف کردن رسیدگی به این دعوی، پیش از دست یابی به هدفهای آن به مصلحت کشور نیست... اعلام مسئولیت دولت امریکا به پرداخت خسارت به دولت ایران برای جبران زیانهای مادی و معنوی خانواده های سوگوار و شرکت ایران ایر است. این ادعا، خواه از نظر منهدم کردن هواپیما یا خسارت مادی و معنوی ناشی از کشته شدن سرنشینان هواپیما متعلق به دولت ایران است. بر اساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صلح دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی هنگامی که طرف دعوی خارجی باشد، باید به تصویب مجلس برسد. دفتر خدمات حقوق بین الملل چگونه به خود اجازه داده است، مبلغ خسارت واقعی ایران را که باید از سوی دیوان بین المللی دادگستری با در نظر گرفتن اوضاع و احوال ویژه این حادثه و رویه های بین المللی تعیین شود، طبق نظر و تشخیص خود و بدون رعایت نص صریح اصل ۱۳۹ تعیین کند و مورد مصالحه قرار دهد و چنین مصالحه ای را بدون تصویب مجلس امضا کند؟»^{۳۳}

تردیدی نیست که مطالب این استاد علم حقوق به ریاست مجلس در آن زمان، خواست بسیاری از صاحب نظران و افراد دیگری نیز بوده و می باشد، اما با توجه به اوضاع و شرایط آن زمان اتخاذ تصمیمی غیر از آن نیز چندان امکان پذیر نبود. هر چند پایان این فاجعه عادلانه نبود، اما امید زیادی هم به پایان عادلانه آن وجود نداشت.

یادداشتها

۱. محمد درودیان؛ سیری در جنگ ایران و عراق، شماره ۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، صص ۱۰۶-۱۰۷.
۲. همان، ص ۱۰۷.
۳. همان، ص ۱۹.
۴. همان، ص ۱۹.
۵. صالح رضایی؛ «تأملی بر روند اجرای قطع نامه ۵۹۸» ماهنامه نگاه؛ ش